

شماره ی ۲۵
یکشنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۶



کهان

نشریه ی مستندهای تلویزیونی

نگاهی به مستند

«چله گشتی»



وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ
حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

و آنان را که آیات
ما را دروغ انگاشتند،
از راهی که خود
نمی‌دانند به تدریج
خوارشان می‌سازیم.

قرآن کریم، سوره الأعراف
آیه ۱۸۲



کمان

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

شماره‌ی ۲۵، یکشنبه، ۲۹ آذرماه ۱۳۹۷



نویسندگان:

رحیم ناظریان | مهدی اسدزاده | سهیل محمودی

همکاران:

مطهره کشاورز | اکرم سادات فاطمی | مهدی مجد | زکریا زرگانی
یا سرصدر نژاد | محمد حسین شفیق

عکاس:

سهراب خان زاده

مدیر هنری:

علیرضا بخشی

با سپاس از دبیرخانه‌ی جشنواره مستند
و کارکنان محترم خانه مستند انقلاب اسلامی

نشانی:

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک ساعی، جنب بیمارستان
مهرگان بن بست مهرگان، پلاک ۳
تلفن: ۸۸۷۸۳۶۴۵ ۸۸۷۸۳۶۵۰، کد پستی: ۱۵۱۶۷۳۵۶۱۴
خواننده‌ی گرامی، تمام شماره‌های نشریه‌ی کمان را می‌توانید از
سایت زیر دریافت کنید
www.khanemostanad.ir

خانه مستند
انقلاب اسلامی





احمد سید کشمیری | کارگردان

نویسنده: مهدی اسدزاده

سال ۱۳۹۴. جلسه نمایش فیلم های احمد سید کشمیری تودانشگاه پادوا ایتالیا.

کارگردان توپرسش و پاسخ انتهای جلسه به ادعا کرد:

.میشه مثل به چریک فیلم ساخت. فیلم ساختن، هزینه اون چنانی نداره. من می تونم با پول به وعده نهار معمولی به فیلم بسازم. دانشجویها شروع کردن به شلوغ کردن و ایراد گرفتن. قرار شد فردا همه با اون همراه شن و ببینن چطور به روزه و با کم ترین هزینه به فیلم کوتاه می سازه.

فردای اون روز، احمد سید کشمیری دانشجویها رو برداشت، رفت کنار یکی از بناهای قدیمی شهر و به فیلم کوتاه ساخت. لوازم صحنه روزه به کافه قرض گرفت، بازیگر نقش فرعی روزه بین رهگذرها پیدا کرد و حتی کفش رسمی بازیگر اصلی رو با کفش ورزشی به دانشجوی عوض کرد. این طوری بود که به دانشجویهای یکی از پرسابقه ترین دانشگاه های جهان، سبک فیلمسازیش رو نشون داد.



اعتیاد، خطری که همه را تهدید می‌کند

احمد سیدکشمیری در مستند «چله‌کشی» داستان سایه سیاه اعتیاد بر زندگی افراد مختلف جامعه را روایت می‌کند. به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند، احمد سیدکشمیری، کارگردان مستند «چله‌کشی» درباره تولید این مستند گفت: مستند «چله‌کشی» روایت انسان‌هایی است که در دام اعتیاد افتاده‌اند و در این مستند از نظر روحی بررسی می‌شوند. در واقع به دنبال پاسخ این سوال هستیم که چه اتفاقی می‌افتد که انسان‌ها به سمت مصرف مواد مخدر سوق داده می‌شوند. از طرفی اعتیاد برای این افراد بهانه‌ای است برای فرار از مسئولیت‌هایی که جامعه بر دوش آن‌ها نهاده است. این افراد نمی‌توانند رفتار خود را کنترل کنند و نهایتاً مجبور می‌شوند دوباره به دامن مواد مخدر پناه ببرند.



احمد سیدکشمیری

نویسنده:

سهیل محمودی



سیدکشمیری با تاکید بر این که در این مستند به اعتیاد به مثابه یک بیماری نگاه می‌شود، اضافه کرد: درست است که شناخت، پیشگیری و درمان اعتیاد بسیار سخت و پیچیده است اما با این حال با بینش‌های جدیدی که اخیراً در گروه‌های ترک اعتیاد تزیق شده است، به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توانند مواد مخدر را کنار بگذارند و تبدیل به انسانی سالم و جدید بشوند و دوباره به اجتماع برگردند.

سیدکشمیری تشریح کرد: مخاطب این مستند، تنها معتادین و خانواده‌های آن‌ها نیستند، هرکسی می‌تواند مخاطب این فیلم باشد چرا که همه مادر معرض خطر رفتارهای معتادگونه هستیم.

مستند «چله‌کشی» به کارگردانی احمد سیدکشمیری با پذیرفته شدن در فصل سوم جشنواره تلویزیونی مستند در تاریخ هجدهم آذرماه، ساعت ۱۹:۳۰ در قالب برنامه تلویزیونی جشنواره مستند روی آنتن شبکه مستند می‌رود.

وی افزود: قهرمانان قصه «چله‌کشی» همین افراد هستند که توانسته‌اند خود را نجات بدهند و از پرتگاه انحطاط دور کنند. در این فیلم چند شخصیت وجود دارد که وارد فرایند ترک اعتیاد شده‌اند و خودشان به این باور دارند که فرایند ترک اعتیاد در اصل، طول درمان یک بیماری



پوستر فیلم مستند «چله‌کشی»



صُورِ خِیالِ درِ اِعتِیادِ بَهِ مِوادِ مِخِدرِ!

نقدی بر مستند چله کشی
نویسنده: رحیم ناظریان

و حالا در تلاش برای کمک به دیگر معتادانی هستند که در حال سپری کردن مراحل طولانی ترک اعتیاد هستند؛ اما به نظر می‌آید که این تمام ماجرا نیست و اتفاقاً کاراکتر دیگری در فیلم حضور دارد که معتاد است و چه بسا از نظر محتوایی، بیشتر از هر فرد دیگری نیز اهمیت دارد. دو کاراکتر امدادگر، روایت را پیش می‌برند اما

تنها کافی است کمی درباره عنوان مستند «چله‌کشی» فکر کنیم. همین انتخابِ عنوانی که به قالی بافی اشاره دارد، برای مستندی که به تمامی درباره اعتیاد و ترک اعتیاد است، نکاتی را در خود پنهان دارد. فیلم، دو کاراکتر محوری زن و مرد دارد که چند سالی است از دام اعتیاد رها شده‌اند



آن کاراکتر معتاد که زن نیز هست، معنا را در فیلم می‌سازد.

«چله‌کشی» بخشی مهم در قالی بافی است. آنجایی که بافنده، تارهای فرش را کنار یکدیگر و به موازات هم قرار می‌دهد تا این کارش به عنوان مقدمه‌ای برای بافت کامل فرش باشد. شروع مستند با تصاویری از زنی که پای دار قالی نشسته، همراه است. معتاد است و البته هم اکنون دوران درمان را سپری می‌کند و هنوز بدنش از سموم پاک نشده است. او متن ترانه‌ای را می‌خواند و در طول مستند، گاهی نیز تصنیف‌ها و ترانه‌هایی را به صوت زمزمه می‌کند و یا می‌خواند.

مستندساز هیچ توضیحی در طول فیلم درباره عنوان «چله‌کشی» نمی‌دهد و البته همین عدم توضیح، به شدت مطلوب بیانی هنری است. فیلمساز، تنها این زن معتاد را نشان می‌دهد که قالی می‌بافد و اما این نمی‌تواند ارجاعی بر عنوان مستند باشد چرا که عنوان «چله‌کشی» نه فقط قالی بافی، که مرحله‌ای آغازین در بافتن قالی است. از سویی فیلم در تمام مدت زمان روایی اش تنها به یک مسئله تأکید دارد و آن تعریف

اعتیاد به عنوان یک بیماری است. هیچ حاشیه‌ای در طول مستندی یک ساعته خارج از این درون مایه مشاهده نمی‌کنید. موضوع فیلم درباره اعتیاد و درون مایه‌ی آن، القای این محتواست که معتاد بدون شعار زندگی‌های رایج، یقیناً بیماری است که توانایی درمان خود را ندارد.

حال باید بدین نکته اشاره کرد اگر مستندی با این موضوع و درون مایه، عنوانی در راستای قالی بافی دارد، چه تأویلی از آن می‌توان داشت؟ عنوان فیلم به قدری زیرکانه است که تنها کسانی که آگاهی از این اصطلاح دارند و یا همچون نگارنده، مستندهایی در این باره دیده‌اند می‌توانند به کنه آن پی ببرند. شروع درمان معتادان و یا گفتگو با تعداد زیادی از آدم‌هایی که اسیر اعتیاد شده‌اند و در فیلم معرفی می‌شوند، دقیقاً شبیه شروع بافت یک قالی است. «چله‌کشی» دقیقاً کاری است با حوصله و صبر زیاد، همان کاری که در فیلم برای یک معتاد، حیاتی قلمداد می‌شود. «چله‌کشی» مرحله‌ای است که چله‌کش، نخ‌ها را (تار) از بالا به پایین چنان به موازات هم قرار می‌دهد و چنان با دقت ردیف می‌کند که آینده

یک قالی به این مرحله به شدت بستگی دارد. حال به نظر با این توضیح، بیشتر بتوان عنوان فیلمی که درباره مرحله‌ای حساس از ترک اعتیاد است را درک کرد. آدم‌های معتاد مثل چله‌کشی دار قالی دقیقاً کنار یکدیگر نمانند و اگر نباشند هیچ نتیجه‌ای نخواهند گرفت. آدم‌های معتاد فیلم باید خلأ را پر کنند و به داد هم برسند چرا که بارها در مستند بیان می‌شود هیچ پزشکی نمی‌تواند یک معتاد را درک کند مگر اینکه خودش نیز به دام اعتیاد دچار شده باشد و پاک شده باشد. آنچه عنوان «چله‌کشی» را برای فیلمی در باب ترک اعتیاد مناسب می‌کند، نحوه برخورد با موضوع و تطابق معنایی دو عنصر جدا از هم است. این که چگونه بتوان دو عنصر جدا از هم را در طول یک ساعت روایت، به یکدیگر نزدیک کرد و معنایی واحد از آن استخراج کرد.

فیلم «چله‌کشی» سراسر درباره اعتیاد و ترک اعتیاد است. یک زن و مرد دارند تمام سعیشان را می‌کنند تا همان طور که خودشان مواد مخدر را ترک کردند، به آدم‌هایی شبیه گذشته خودشان کمک کنند. اما تمام فیلم بدون اشاره‌ی مستقیم

بدین گونه است که باید تارها را با دقت و ظرافت کنار هم قرار داد تا در ادامه در طول ماه‌ها و شاید سال‌ها یک قالی بافته شود. کاری زمان‌بر که معتادها برای ترک اعتیاد بدان بسیار محتاجند.

در راستای تشریح همین عنوان مستند، در ادامه در باب محتوای اثر و مواردی همچون موتیف و درون‌مایه بیشتر خواهیم گفت. نکته‌ای بسیار حساب شده و بلکه بسیار ریزبینانه در این مستند وجود دارد که به دلیل تأکید بیش از اندازه‌ی فیلمساز نمی‌توان آن را امری اتفاقی قلمداد کرد. سال‌ها پیش در مقاله‌ای پیرامون اهمیت موتیف در یک اثر هنری، مطلبی می‌خواندم؛ مقاله‌ای نوشته «محمد تقوی» که در آن موتیف را در اکثر هنرهای شناخته شده با تعریف غربی بررسی کرده بود و جالب این که در آن مقاله، اشاره‌ای بر قالی بافی نیز داشت و این که در قالی بافی گرچه عده‌ای حتی آن را هنر نیز نمی‌دانند، موتیف به عنوان عنصری پایدار در معنا بخشی به آن نقش اساسی دارد. موتیف در قالی، عنصری بصری است که در یک ترکیب بندی با تکرار شدن، معنای مورد نظر خالق آن را

مشخص و قابل رؤیت می‌کند.

در سینما عنصری تکرارشونده اعم از دیالوگ، ضربی موسیقایی، یا حتی یک شیء، صدا، یا زاویه دوربین می‌تواند موتیف ایجاد کند. با این توضیح می‌توان این گونه بیان کرد که چله‌کشی، قالی بافی، صدای برخورد دغه بر چ‌های فرش توسط یک بافنده که در طول این مستند بارها و بارها تکرار می‌شود، موتیفی بر درونمایه‌ی صبر و شکیبایی و نظم افرادی است که با کمک دوستانشان در حال ترک اعتیاد هستند. اما نکته بسیار حساب شده تنها این نیست. بلکه توجه به این مسئله است که فرش، خود هنری از هنرهای ترسیمی است و عناصر تکرارشونده در آن به شدت فراوان است. یک طرح اسلیمی یا یک نقش گل در یک قالی، چندین بار در جای جای آن تکرار می‌شود. یک رنگ در طول و عرض یک قالی، بارها با ریتمی متناسب با کلیت کار، به کار می‌رود. قالی، سرشار از موتیف است. بی‌شک تکرار چندباره یک ایده در قالب یک نقش در آثار متنوع ترسیمی جهان، بیش از هر نمونه هنری دیگری، تنها در فرش ایرانی است که با تأکید بر

موتیف شکل می‌گیرد.

نکته جالب این است که در مستند «چله‌کشی» با وجودی که موضوع اعتیاد است، کارگردان در طول مستند، در هر لحظه‌ای که حس کرده باید ضربه‌ای به مخاطب بزند تا او را نسبت به موضوع اعتیاد و همان مبحث بیماری بودنش، آگاه نماید، با صدای ضربه‌های قالی بافی، این کار را انجام می‌دهد. یک موتیف دوگانه! اینجا در مستند «چله‌کشی»، بافتن قالی و صدای ضربه‌های شانه قالی باف، خود موتیف تازه‌ای برای فیلم است و این کارکرد دوگانه به شدت زیرکانه و قابل بحث است. انگار در طول زمان روایی مستند، وقتی ما حرف‌های تلخ یک معتاد در حال ترک را می‌شنویم، چیزی در حال بافته شدن است. چرا که بعضاً در مستندی نزدیک به یک ساعت که پر از گفتگو و دیدار با معتادان رهایی یافته یا در حال درمان از اعتیاد است، گاهی حتی در یک دقیقه‌اش نیز چند بار این صدای قالی بافی یا نشانه‌ای از زین معتاد قالیباف و یا صدای «دغه» را شاهدیم. مستندساز عامدانه با تأکید بر تولید فرش وارجاع برنقش و نگار فرش

نکته جالب این

است که در مستند

«چله‌کشی» با

وجودی که موضوع

اعتیاد است، کارگردان

در طول مستند، در

هر لحظه‌ای که حس

کرده باید ضربه‌ای

به مخاطب بزند تا او

را نسبت به موضوع

اعتیاد و همان مبحث

بیماری بودنش،

آگاه نماید، با صدای

ضربه‌های قالی بافی،

این کار را انجام

می‌دهد.

ایرانی که خود در قالی باقی موتیف می سازد، آنقدر در مستند تکرار می کند تا این تکرار اینجا خود یک موتیف سینمایی را شکل دهد. مستندساز این صدا را چنان در گستره زمانی فیلم تکثیر می کند که وقتی هربار به گوش می رسد ناخودآگاه حس و حال بافتن قالی به ذهن خطور می کند.

همان طور که در ابتدای این تحلیل بدان اشاره شد دو کاراکتر زن و مرد در فیلم، سال هاست از بند اعتیاد رهایی یافته اند و در این مستند از آغاز تا پایان تلاششان برای مداوای معتادان به تصویر می آید، اما به نظر شخصیت محوری مستند، همان خانم معتاد قالی باف باشد که عنوان فیلم و موتیف و متعاقبا درون مایه و موضوع اثر، حول محور اوست. شاید در نگاه اول با دیدن این مستند، همان دو کاراکتر زن و مرد در اس همه چالش های اثر فرض شوند اما اهمیت کاراکتر خانم قالی باف که در طول فیلم صدای ضربه هایش شنیده می شود محتوای اثر را در فرایندی تحلیلی قرار می دهد و وجود و حضورش در تمامی لحظات، قابل تاکید و توجه است.

مستند «چله کشی» اثری حساب شده و با درایت است. موضوع تلفیق آنچه از قالی بافی و ترک اعتیاد گفتیم بی شک در جهان سینما امری اتفاقی قلمداد نمی شود. مشابه این ریزی بی که به نظر کمی دهشتناک تر از موارد دیگر است، پرداخت حساب شده اتمسفر «چله کشی» است. مستندساز می داند سوژه ای که بدان پرداخته دارای چه حال و هوایی و چه زمینه هایی برای ابعادی فراتر از موارد بصری و دیداری است. مستندساز با آگاهی از پتانسیل و قابلیت سوژه، دست به انتخاب و چینش پلان هایی متضاد در کنار هم زده است تا بدین وسیله فارغ از آنچه به ظاهر دیده می شود، در بطن اثر نیز مواردی برای حس شدن به وجود بیاورد. او با آگاهی در انتخاب مکان فیلمبرداری و گزینش نهایی در تدوین، فضای مردانه و زنانه را با یک ویژگی منحصر به فرد و قابل ستایش از یکدیگر تفکیک نموده است. به جرأت می توان گفت فضای غالب صحنه های تأکید شده بر زنان معتاد، فضایی سرشار از اندوه، یأس، سردرگری بانی، پنهان شدگی، فضایی

ساکن و پراز رخوت است و برعکس بیشتر صحنه‌های جمعی مردان معتاد، فضایی شاد همراه با موزیک، خواندن و رقص است. این تفکیک، جدای این مسئله که نمایش رقص برای زنان مقدور نیست، کاملاً آگاهانه و فکر شده است. اتمسفر حاکم بر تصاویر مربوط به زنان معتاد، کاملاً در حال و هوایی ناامیدانه قرار دارد و برعکس پلان‌های مردانه کاملاً در فضایی شاد به تصویر می‌آید. این تفکیک و البته ادغام دو فضای شادمانه و غمناک علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن اتمسفر کلی اثر، در ایجاد ریتم در کلیت مستند نقش به‌سزایی دارد. گرچه از نظر محتوایی نیز این مسئله قابل بحث است و می‌توان این‌گونه برداشت کرد که جامعه زنان معتاد به دلیل مناسبات فرهنگی و چالش‌های آن، بی‌شک رنج بیشتری را متحمل می‌شوند؛ چرا که قاعدتاً نوع نگاه به زن در جامعه ایران به دلیل مباحث مذهبی و رسوم، بسیار متفاوت با فرهنگ سایر کشورهاست و طرز برخورد با زنان معتاد آن هم در جغرافیایی که مستند بدان می‌پردازد بسیار متفاوت با نگاه به مردان معتاد است. به عبارتی اتمسفر

فیلم در تفکیک فضای شاد و غمناک این نکته را بدون هیچ توضیح اضافه‌ای قابل درک می‌کند که برخلاف فرهنگ رایج، اعتیاد زنان علاوه بر صدمات جسمی، آسیب‌های جبران‌ناپذیر روحی را نیز دوچندان برایشان ارمغان می‌آورد. مستندساز بدون حتی یک خط گفتار متن و یا زیرنویس و یا حتی بدون اینکه بخواهد این رنج و صدمه دوچندان روحی زنان را به شکلی نخ‌نما نشان دهد و یا به زبان بیاورد، با رویه‌ای پنهان آن را به تصویر می‌کشد. برای درک این موضوع کافی است دو پلان رقص سرخوشانه مردان معتاد را در کنار تنهایی همه زنان معتادی که در صفی نشسته‌اند و چهره‌شان را با روسری و دست پوشانده‌اند، مقایسه کنید.

و اما نکته دیگر، جایگاه و ظرفیت دوربین در مستند «چله‌کشی» است. دوربینی بی‌تاب که حتی از کنار تابلوهای نقاشی نیز بی‌تفاوت نمی‌گذرد. دوربینی که حاشیه‌هایی همچون صفحه مشبک یک پنکه را ابزاری برای برداشت تصاویری قرار می‌دهد که در مرحله تدوین، دیگر نیازی به شطرنجی کردن چهره برخی

آدم‌ها نباشد. دوربینی که در حین مصاحبه با یک مرد، تصویر نقاشی یک کودک در موبایل را نشان می‌دهد یا چند قاب عکس و چراغ نفتی برایش بیش از چهره‌های سخنگو اهمیت دارد. به عبارتی دوربین در همان لحظه فیلمبرداری بروتیغه خود در قبال حریم خصوصی واقف است و نمی‌گذارد در مراحل بعدی تولید با حذف و تعدیل‌ها کارش به تزیینات کامپیوتری بکشد.

نکته پایانی و شرح یک تصویر دوگانه! همان‌طور که گفته شد، زنی قالبی باف که معتاد است و دوره ترک را سپری می‌کند به عنوان کاراکتری مهم در طول فیلم، خودش، شعرخوانی‌اش و کارش حضور دارد. در جایی از فیلم پس از گفتگو با مردی تکیده از اعتیاد، به ناگاه چهره او در یک قاب با چهره آن زن ادغام می‌شود. تصویر زن قالبی باف و آن مرد معتاد در کنار هم (multiple image) تنها به دلیل موضوعی مشترک قابل درک است. کنار هم قرار گرفتن تصویر چهره یک زن و یک مرد که در دو مکان مختلف حضور دارند، سرنوشت هر دو در قبال

فرزندانشان است و اینجاست که به نظرم آن تار و پودی که روح قالبی بافی در کل فیلم به مخاطب منتقل می‌کند و باید کامل‌کننده یکدیگر باشند تا قالبی بافته شود با این اتصال دوگانه از دو چهره جواب می‌دهد. شاید به تعبیری خانواده‌های یک زن معتاد یا یک مرد معتاد، اصلی انکارناپذیر برای درمان باشند. آنچه فیلم درباره بیماری اعتیاد بیان کرد درمانش نیاز به ابزاری دارد و یکی از آن ابزارها خانواده معتاد است. فیلمساز در قالبی تأویل‌پذیر، دردی مشترک را در وجود یک زن و یک مرد با این همنشینی بیان می‌کند. دردی که در یک کلمه می‌توان آن را تنهایی هر دو کاراکتر قلمداد کرد. هر دو آن‌ها از خانواده‌شان به دلیل اعتیاد دور ماندند و مستندساز می‌داند که جای نمایش، از یک تکنیک قدیمی سینما که مختص سینمای کلاسیک نیز هست استفاده کند و جالب این که او یا تدوینگر می‌دانند که باید اینجا تصویر را در فرمت سیاه و سفیدش نشانمان دهند. چیزی که هم از نظریان سینمایی و هم از نظر شکل، کلاسیک باشد.

جشنواره تلویزیونی مستند

Documentaries

The First TV Festival of The
Mostanad TV Holds

روایت حقیقت در قاب واقعیت
شبکه مستند برگزار می کند

فصل سوم نخستین جشنواره مستند

روزهای زوج | ساعت ۲۰ از شبکه مستند

بازپخش ساعت ۹:۳۰ روز بعد

برای شرکت در مسابقه پیامکی
کد فیلم «چله کشی» D6



جشنواره مستند

شما می توانید بعد از تماشای هر قسمت امتیاز خود را از یک تا پنج ستاره از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۸۱ با زدن کد فیلم به همراه عدد ستاره مورد نظر ارسال نمایید. ضمناً می توانید از طریق کانال اطلاع رسانی جشنواره به آدرس [@festmostanad](https://www.festmostanad.ir) و یا وبسایت جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir در این نظرسنجی شرکت کنید.